

سبک زندگی قرآنی در کلام الملوک باباجان قزوینی

آسیه ذبیح نیا عمران*

تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۲۱

چکیده

«کلام الملوک» (۴۳۰ ق) باباجان قزوینی که برگرفته از تعالیم اسلام و قرآن کریم است، به ابعاد مختلفی از احترام به انسان و مخلوقات، و چگونگی تعامل با آنان پرداخته است. این پژوهش، به شیوه توصیفی-تحلیلی و استواری بر چارچوب نظری می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که شاخص‌ترین سبک قرآنی و همچنین کارکرد و نقش این شیوه در زندگی آدمی در کتاب «کلام الملوک» قزوینی چیست؟ مطابق دستاوردهای تحقیق، بیش‌ترین توجه باباجان قزوینی در باب زندگی نهی از هوای نفسانی است، زیرا منشأ همه ناپاکی‌ها به شمار می‌رود و انسان را به بدی‌ها رهنمون می‌سازد. همچنین رویکرد باباجان قزوینی در زمینه سبک زندگی قرآنی، دیدگاهی معنوی به انسان و جهان است؛ به این منظور، در مقاله حاضر، با تکیه بر روش تحلیل محتوا و رویکرد قرآنی، دیدگاه باباجان قزوینی پیرامون سبک زندگی با آیات قرآن کریم مقایسه شده است.

کلیدواژگان: تعالیم اسلام، ابعاد وجود، سبک زندگی، ترک نفس.

مقدمه

هر یک از نویسندگان با کاربرد شیوه‌ها و شگردهای خاصی، شخصیت خود را به جامعه و مخاطبان خود می‌شناسانند. یکی از مهم‌ترین این شگردها، تکیه بر معیارها و هنجارهای قرآنی است که مورد قبول همگان است. استناد به آیات قرآن کریم یکی از شگردهایی است که نویسنده با تکیه بر آن می‌تواند صحت و سقم نیت یا خواسته خود را برای مخاطب تبیین کند.

سبک زندگی، روش سلوک در حیات فردی و اجتماعی و به بیان دیگر مجموعه منظم و به هم مرتبط از رفتارهای افراد در زندگی فردی و اجتماعی آنان که مبتنی بر برخی بینش‌ها و ارزش‌های برآمده از آن‌هاست (مهدوی کنی، ۱۳۹۰: ۵۱). سبک زندگی عنوانی شناخته شده آن در دنیای علمی امروز، عبارت‌اند از فعالیت‌های فیزیکی، اوقات فراغت، خواب و بیداری، روابط اجتماعی، روابط خانوادگی، معنویت، ایمنی و آرامش و غیره، که هر کدام به منزله بزرگ راهی از راه‌های زندگی افراد شمرده می‌شود. سبک زندگی شیوه‌ای نسبتاً ثابت است که فرد اهداف خود را به وسیله آن پی می‌گیرد. (کاوایی، ۱۳۹۰: ۲۷). با این بیان سبک زندگی شامل اموری می‌شود که زندگی انسان اعم از بعد فردی، اجتماعی، مادی و معنوی مربوط می‌شود. منظور از سبک زندگی اسلامی شیوه زندگی فردی و اجتماعی است که همه یا بیش‌تر متدینین به اسلام یا قشر مؤثری از جامعه اسلامی به آن عمل می‌کنند و در رفتارشان منعکس است (مصباح، ۱۳۹۲: ۶). زندگی انسان در سبک اسلامی یک زندگی دنیا و آخرتی است به این معنی که دنیا و آخرت را با هم و در کنار یکدیگر دارد، یکی مکمل دیگری است. این سبک باورش این است که تا دنیا را درست انجام ندهد به آخرت نخواهد رسید و اگر آخرت آباد می‌خواهد باید انسان شایسته‌ای در پیشگاه خدا باشد. مطمئن‌ترین و بهترین راه برای بهبود و اصلاح سبک زندگی آدمی، مراجعه به قرآن کریم و الگوگیری از سبک‌های زندگی ارائه شده در آن است. لذا در این پژوهش مبانی سبک زندگی با توجه به رفتارهای فردی و خودسازی و امور اجتماعی بررسی می‌شود. مقاله حاضر در خلال مباحث تلاش خواهد کرد تبیین کند که در تذکره «کلام الملوک» قزوینی؛ کدام یک از مصادیق مبانی سبک زندگی قرآنی از اهمیت و برجستگی بیش‌تری برخوردار است؟

پیشینه تحقیق

تا کنون سبک زندگی اسلامی در تذکره عرفانی «کلام الملوک» باباجان قزوینی کار نشده است، اما در برخی از کتاب‌ها و منابع عربی و فارسی اشاره‌ای کوتاه به این کتاب و انتساب آن به باباجان قزوینی شده، که این آثار به شرح زیر است:

بخشی از دست‌نوشته‌های آثار بهاء‌الدین عاملی (متوفی ۱۰۳۰ق) در کتابخانه مرعشی نجفی (گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی)، به کوشش سید محمود مرعشی نجفی و میر محمود موسوی جمع‌آوری گردید، اشاراتی به زندگی باباجان قزوینی شده است.

در سال ۱۳۹۱، کتاب «در پرتو روضات؛ پنجاه مقاله در تراجم، کتابشناسی، نسخه‌شناسی و تاریخ»، سید محمدعلی روضاتی (م ۱۴۳۳ق)، که در قم، توسط مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه چاپ شد، به ذکر نامی از باباجان قزوینی و نسخه خطی «کلام الملوک» پرداختند.

محمد رضا بندرچی، در سال ۱۳۷۹، در مقاله‌ای تحت عنوان «رساله حاجی بابا قزوینی در شرح یک حدیث نبوی» که در مجله علوم حدیث منتشر کرد، به معرفی کوتاه باباجان پرداخت.

بشری، در سال ۱۳۹۴ در مقاله‌ای با عنوان «حاجی بابا قزوینی، برجسته‌ترین شاگرد شیخ بهایی» که در جشن نامه دانشور فرهنگیار سید محمود مرعشی نجفی منتشر شد، به شرح مختصر زندگی باباجان قزوینی و معرفی کتاب «مشکول» او پرداخت.

در سال ۱۳۰۰ق کتاب «مشکول» باباجان قزوینی با ترجمه عبارات عربی از محمد باقر بن اسماعیل حسینی خاتون آبادی، به دستور صنیع الدوله، از روی نسخه متعلق به شیخ محمد مهدی بن حاجی ملا آقابزرگ، در تهران به چاپ سنگی رسید.

همانگونه که از عناوین مقالات و کتاب‌های فوق پیداست، اغلب آثار مذکور به ذکر نام و معرفی مختصر باباجان قزوینی پرداختند و تحلیل نسخه خطی «کلام الملوک» انجام نشده، لذا ضرورت دارد تا مورد بررسی قرار گیرد.

در سال‌های اخیر مقالاتی در زمینه سبک زندگی منتشر شده که برخی از آن‌ها به ترتیب سال نشر شرح زیر است:

مهدوی کنی (۱۳۸۷) در مقاله «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی» که در نشریه تحقیقات فرهنگی ایران چاپ شد، به ارائه تبیینی واژه شناسانه از این مفهوم پرداخته و سپس به بررسی ابعاد مفهومی آن در حوزه علوم اجتماعی اقدام کرد. شریفی و لطفی (۱۳۹۲) مقاله «سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم (ع)» را در مجله معارف قرآنی منتشر ساختند. مقاله مذکور به بررسی سبک خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم (ع) در ابعاد تشکیل خانواده و ازدواج، محیط خانواده و اداره آن و همسرپروری می‌پردازد.

علی اکبری (۱۳۹۲) در مقاله «آسیب شناسی سبک زندگی امروزی و تأملی بر سیره پیامبر اعظم (ص)» که اولین همایش سبک زندگی پیامبر در زاهدان ارائه شد، با روش تحقیقی اسنادی و رویکرد تبلیغی-تحلیلی به آسیب شناسی سبک زندگی امروزی با تأمل در سیره پیامبر اعظم (ص) می‌پردازد.

الویری و موسوی نیا (۱۳۹۳) در مقاله «سبک زندگی ائمه علیهم السلام در امور معیشتی و بازتاب آن در زندگی اجتماعی شیعیان» که در مجله تاریخ اسلام چاپ شد، ادعان کردند: از منظر سنت پیشوایان معصوم (ع)، باورها و اعتقادات معیشتی نقشی اساسی در جامعه دارد و باید همگان را به این امر فراخواند و به آن تشویق کرد.

صادقی ده چشمه و شریعت (۱۳۹۴) در مقاله «سبک زندگی ایرانی-اسلامی» که در اولین کنفرانس پدافند غیر عامل در علوم انسانی منتشر شد، به ارزیابی تحلیلی وضعیت و تحولات سبک زندگی در کشور در دهه اخیر و مقایسه آن با الگوی اسلامی ایرانی سبک زندگی پرداختند.

سبک زندگی

دهخدا، معنای لغوی واژه سبک را، نوع، روش، طرز و شیوه‌ای که به ویژه در رفتار اجتماعی متناسب شناخته شده است، تعریف می‌کند (دهخدا، ۱۳۷۷: مدخل سبک). سبک زندگی دینی «مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان یافته است که متأثر از باورها و ارزش‌ها و نگرش‌های پذیرفته شده است و همچنین متناسب با امیال و خواسته‌های فردی و وضعیت محیطی، وجهه غالب رفتاری یک فرد یا گروهی از افراد

شده‌اند» (شریفی و لطفی، ۱۳۹۲: ۴۹). می‌توان سبک زندگی را ویژگی‌های رفتاری انسان تعریف کرد و بر اساس اختلاف این ویژگی‌ها، تعدد سبک‌ها را در نظر گرفت... واژه سبک زندگی اسلامی می‌تواند متضمن این ویژگی‌ها باشد که فرد مورد نظر نیست؛ بلکه منظور یک رفتار جمعی و اجتماعی است؛ در مسائل اجتماعی نیز همه افراد ملحوظ نیستند و معمولاً روش رایج در جامعه بررسی می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۶). در نهایت، اگر قرآن کریم عامل سعادت بشر در همه شئون فردی، اجتماعی و تاریخی باشد، لازمه آن، حاکمیت آموزه‌های قرآنی بر شکل‌گیری تمامی باورها، برای جهت‌دهی و الگوبخشی به رفتارها و کنش‌های انسانی است. در تحقیقاتی که در زمینه سبک زندگی در غرب انجام شده است، بر رویکرد مادی به انسان و جهان مبتنی هستند.

لیزر، سبک زندگی را بر اساس الگوی خرید کالا تعریف می‌کند. به نظر وی سبک زندگی نشان‌دهنده شیوه زندگی متمایز جامعه یا گروه اجتماعی و نشان‌دهنده شیوه‌ای است که مصرف‌کننده در آن خرید می‌کند و به شیوه‌ای که کالای خریداری شده مصرف می‌شود، بازتاب‌دهنده سبک زندگی مصرف‌کننده در جامعه است (خوشنویس، ۱۳۸۹: ۱۰). سوپل، سبک زندگی، مجموعه‌ای از رفتارهای قابل مشاهده و بیانگرانه در میان افراد است (به نقل از: مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۲۰۰). وبر، سبک زندگی را شیوه‌های رفتار، لباس پوشیدن، سخن گفتن، اندیشیدن و نگرش‌هایی می‌داند که مشخص‌کننده گروه‌هایی منزلتی متفاوت است (همان).

لامونت و همکارانش، نیز ضمن تأکید بر شیوه سازمان دادن زندگی شخصی، الگوی تفریح و مصرف را بهترین شاخص سبک زندگی می‌دانند (همان). زیمل، سبک زندگی را مجموعه صورت‌های رفتاری می‌داند که فرد یا گروه بر اساس انگیزه‌های درونی خود و در راستای تلاش برای ایجاد توازن میان شخصیت ذهنی و زیست محیط عینی و انسانی خود برگزیده است (همان: ۲۰۱).

آلفرد آدلر، به عنوان اولین کسی که این واژه را در روان‌شناسی ابداع کرد؛ از این اصطلاح برای اشاره به حال و هوای زندگی فرد استفاده کرد؛ سبک زندگی هدف فرد، خودپنداره، احساس‌های فرد نسبت به دیگران و نگرش فرد نسبت به دنیا را شامل می‌شود (به نقل از: فیست جس، ۱۳۸۷: ۹۷).

کلام الملوک باباجان قزوینی

کمال الدین حاجی بابا بن میرزا جان قزوینی، یکی از برجسته‌ترین شاگردان شیخ بهایی است. او حاجی بابا نام دارد که نامی تقریباً مرسوم در قزوین بوده است. محل تولد او بر اساس نسبت مشهورش، به احتمال زیاد قزوین است. اما بیش‌تر عمر علمی او در اصفهان و در محضر شیخ بهایی، و نیز مناطقی که شیخ در آنجا اقامت داشته گذشته است. از رقم پایانی دو نسخه «حبل المتین» و «خلاصة الأقوال» که او آن‌ها را استنساخ کرده است، و نیز یادگاری‌ای که شیخ در ۱۰۱۰ ق در هرات برایش نوشته است (جنگ مشکول، ۱۲۷)، برمی‌آید که لقب مشهورش «کمال الدین» بوده است. قدیمی‌ترین سندی که از این شخص در اختیار داریم، نسخه خطی «کنز العرفان» فاضل مقداد است که در پنجشنبه ۱۳ ذی حجه ۹۸۰ ق در کربلا از کتابت آن فارغ شده است. این نسخه، که اینک به شماره ۱۱۶۷۴ در کتابخانه مرعشی نگهداری می‌شود (فهرست مرعشی، ج ۲۹: ۴۵۴)، یادگاری از نخستین سال‌های علم‌آموزی این نزدیک‌ترین شاگرد شیخ بهایی باشد که نشان می‌دهد وی دست کم ایامی را در کربلا به سر برده است.

«کلام الملوک» به سال ۱۰۴۳ ق تألیف یافته و نسخه دیگری از آن در منابع یافت نشد. اثری ارزنده در عرفان به فارسی که از نگارش‌های حاجی بابا فرزند میرزا جان قزوینی است و نسخه یگانه آن به شماره ۱۰۲۹۴ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۳۲: ۳۰۵-۳۰۷). در دیباچه، مؤلف خود را باباجان/ابن حاجی روحی جان قزوینی معرفی می‌کند. انگیزه نگارش این اثر، بیان یک دوره تعلیمات برای مردم روزگار است که بخش زیادی از آن صرف نقل احوال، اقوال و کرامات صوفیان متقدم است.

سبک زندگی قرآنی در تذکره عرفانی کلام الملوک قزوینی

۱. دوری از هوای نفس

باباجان قزوینی در «کلام الملوک» جهاد با نفس را جهاد اکبر می‌داند. «گفتند: ای رسول خدای جهاد اکبر کدام است؟ فرمودند که جهاد اکبر جهاد با نفس اماره است. بعد از آن فرمودند بهترین جهاد آنست که کسی

با نفس خود که در میان دو پهلوی او واقعست جهاد نماید» (باباجان قزوینی، ۱۰۴۳: ۱۵).

او سپس برای تأکید بیش‌تر این مفهوم شعری را در همین زمینه به عنوان شاهد نقل می‌کند:

«تا نفس مبر از مناهی نشود دل آئینه نور الهی نشود

افضل الجهاد من جاهد نفسه (همان: ۱۷) بر هر کس واجبست که جهاد نفس را بر خود لازم شناسد و همیشه نفس خود را در معرض محاسبه و مراقبه دانسته، از لذات دنیای فانیه باز آورد (همان: ۱۸) جهاد نفس چنانچه این حدیث به آن ناطق است، بهترین جهاد است؛ و حضرت عزت جل شأنه بر ذمت فضل و کرم خود لازم ساخته است که جمیعی را که به آن قیام نمایند در معرض هدایت خود در آورده ایشان را به راه حق که جاده نجات و صراط المستقیم عبارت از آنست برساند چنانکه در کلام مجید می‌فرماید: وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنکبوت / ۶۹) یعنی جمعی که در راه محبت ما با نفس خود جهاد نموده‌اند و او را از مشتهیات خود باز آورده به طاعات و عبادات و اجتناب منهیات و اکتساب فضایل و کمالات اخروی واداشته‌اند هر آئینه هدایت می‌کنیم ما ایشان را و می‌رسانیم به راه‌های خود که به سلوک در آن از ضلالت و گمراهی ایمن بوده بی شایبه شبهه و شک به مقصد رسند، پس بر هر کس واجبست که جهاد نفس را بر خود لازم شناسد و همیشه نفس خود را در معرض محاسبه و مراقبه دانسته، از لذات دنیای فانیه باز آورد» (باباجان قزوینی، ۱۰۴۳: ۱۸).

از دیدگاه باباجان قزوینی مراد از جهاد نفس مقهور ساختن و در تحت حکم خود در آوردن نفس است و واداشتن او بر ملازمت طاعت و اجتناب منهیات و در معرض حساب در آوردن او که در سودایی که با پروردگار خود کرده است فایده او چند شده و نقصان او چند است و تدارک نقصان به چه چیز می‌تواند کرد؟ یعنی از اعمالی که متضمن فوز به سعادت اخروی است و مثمر ادراک فواید صوری و معنوی چه به عمل آورده؟ و از اموری

که باعث نقصان پذیرفتن مراتب قربست و سبب ناخشنودی پروردگار از او چه سر زده؟ و جبر آن چه می‌تواند کرد؟ و بر ریاضت فرمودن و بازداشتن از نیل مشهیات در مقام کسر قوای شهوانی و سبعی او در آمدن و سلوک او را به اعتدال آوردن و امر مذکور را وسیله فلاح و فیروزی خود ساختن چنانچه ناطق است به آن آیه کریمه *قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا* (شمس / ۹-۱۰) یعنی به درستی که فلاح و فیروزی یافت کسی که در مقام تزکیه و تطهیر نفس درآمده پاک ساخت دامن عفت او را از آلائش باد... رذایل و معایب به سبب قایم داشتن او به طاعات و اجتناب فرمودن او از منهیات و محرمات... (همان: ۱۶).

«تزکیه نفس موجب تصفیه باطن و صفای خاطر است. هرگاه نفس از شوایب هوا و هوس مزکا شد و از آلائش نقص و عیب برآمد دل نیز از لوث تعلقات بماسوی مصفی می‌گردد از کدورت خیالات باطله و توهّمات فاسده برمی‌آید و تا آن نشود فوز به این سعادت نیست و عروج به این پایه ممکن نه».

باباجان قزوینی مبحث «نفس» را به مدیریت پیوند می‌زند و میان این دو امر ارتباطی شگرف برقراری سازد. مدیریت زمان مستقیم با حقوق فردی ارتباط دارد. می‌توان با مدیریت زمان خویش، به همه شئون زندگی توجه کرد و به کمک آن حقوق دیگران را نیز محترم شمرد. تفحص در زندگی افراد موفق نشان می‌دهد که استفاده بهینه از فرصت‌ها یکی از راهکارهای اولیه بهتر زندگی کردن است. *باباجان قزوینی* سفارش می‌کند که هر روز بعد از نماز صبح باید «نفس» را مورد خطاب قرار داد و به او یادآوری کرد که هر روزی از زندگی که شروع می‌کنیم روز نوی است و باید وقت را غنیمت بدانیم و به باطل نگذاریم:

«پس چون مرغ سحری به خروش سبوح قدوس درآید و مؤذن صبح ندای حی علی الصلاة در دهد به ادای دوگانه واجب قیام باید نمود و بعد از فراغ از آن نفس را محراب مخاطبه خود ساخته به او خطاب باید کرد که ای نفس مرا بضاعت و سرمایه که توانم وسیله نجات و رستگاری خود ساخته سوای این چند روز عمر فانی نیست و آنچه از او رفته است و در معرض فنا

و زوال در آمده در حقیقت نقصانی است که به رأس المال و سرمایه من راه یافته است و این روز نویست که از اجل مهلت حیات آن یافته و حضرت عزت نعمت زندگانی در آن را به تو ارزانی داشته است تا به عبادت او قیام نمایی و فایده که وسیله نجات و رستگاری تو باشد در آن به دست آری اگر احیاناً از زاید اجل مهلت آن نمی‌یافتی امروز در سلک اموات منتظم می‌بودی هر آینه از خدای خود در خواست می‌کردی که حیات امروزی دگر را به تو ارزانی دارد که تدارک ایام گذشته نموده عملی در آن به جای آوری که متضمن رو سفیدی و رفع خجالت تو بوده باشد همان پندار که امروز آن روز است که آرزوی حیات آن کرده و آرزوی تو را برآورند و حیات در آن را به تو ارزانی داشته و به عمل آنچه در آن روز به عمل خواهی آورد؛ و بر تو باد که حیات این روز را غنیمت شماری و ساعات آن را ضایع و باطل نگذاری» (همان: ۱۸).

دم، زمان و وقت از اصطلاحات مهم صوفیه است و در نزد صوفیه توجه به آن اهمیت بسیار دارد. در یک کلام وقت خوش عارفانه همانا نوعی بی‌وقتی و رها شدن از سیطره زمان و مکان است.

۲. شکرگزاری نعمت‌های الهی

یکی از اموری که باید در شیوه زندگی قرآنی روزمره مد نظر داشته باشیم، شکرگزاری برای نعمت‌های الهی است. توصیه اخلاقی باباجان، حق‌شناسی و سپاسگزاری از پروردگار و فرستادگانش است. از نظر او اطاعت از خداوند همان اقرار خالصانه به بندگی است. نافرمانی و ناسپاسی ناشی از تکبر انسان است:

«در سوره بلد پس از اشاره به نعمت‌های الهی مانند چشم، زبان و لب، در آیه ۱۰ می‌فرماید: «وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ» (بلد/ ۱۰). «نجد» در این آیه به معنای راه است و «نجدین» یعنی دوراهی. و «هدینا النجدین» یعنی نمودیم ما انسان را راه خیر و راه شر اشارتست به این دو قوت و همچنین آیه کریمه «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (الانسان/ ۳) بدرستی

که نمودیم ما انسان را راه حق و طریق خیر که در آمدن به آن متضمن رستگاری و نجات است و راه باطل و سبیل شر را که سلوک در آن باعث گمراهی و هلاک یا آن است که به راه حق سلوک خواهند نمود و چون آن نخواهد بود مگر آنکه داند که نعمتی است از جانب پروردگار او که به او عنایت شده به وظایف شکرگزاری قیام نموده از جمله شاکران خواهد گشت یا راه باطل را اختیار خواهد کرد و به بلای کفران نعمت گرفتار گردیده در سلک کافر نعمتان مندرج خواهد شد و بعضی گفته‌اند که مراد به سبیل راه حق و طریق مستقیم است و راه باطل و طریق آن معلوم می‌شود یعنی به درستی که نمودیم ما انسان را راه راست و طریق حق (باباجان قزوینی، ۱۰۴۳: ۲۱) و یا آنست که قدر نعمت دانسته به آن در خواهد آمد و شاکر خواهد بود یا از ضعف دیده باطن از آن عدول نموده به تیره ضلالت گرفتار خواهد گشت و به کفران نعمت منسوب خواهد گردید. و تیه آن بیابان است که قوم موسی علی ... علیه السلام در آنجا سرگردان بودند، پس اگر به دیده بصیرت درنگری و قوت شهوانی را مطیع و منقاد قوت عاقله سازی، هرآینه به سعادات عظیمه و کمالات کریمه فایز خواهی بود و به صراط مستقیم که راه نجات و سبیل حق است خواهی رسید. (همان: ۲۱) اما اگر اهل کفران نعمت باشید «از اصل ضلالت و هلاکت گردیده در معرض خطاب «و خسر خسرا مبینا» در خواهی آمد» (همان: ۲۱).

۳. تفکر در اعمال و رفتار خود

رفتار درست در قبال دیگران، مستلزم تفکر در اعمال و افعال است. بدین صورت که هر کس به افعال و اعمال خویش بنگرد و در آن تفکر نماید تا نقاط قوت و ضعف آن مشخص گردد. باباجان قزوینی در این باره می‌گوید:

﴿الْمُرْءَاهِدَ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ (یس / ۶۰) یعنی

معهود نبود مرا با شما ای فرزند آدم و نگفتم به شما که عبادت شیطان

مکنید که او دشمنی است هر شما را در دشمنی ظاهر؛ پس ای عزیز باید که در همه حال مستخبر احوال خود باشی و از حرکات و سکنات و قیام و قعود و تکلم و سکوت خود غفلت جایز نداری که مبادا چنان شود که تمام عمر تو صرف عبادت شیطان و اطاعت کلب و خنزیر می‌شده باشد و آن نهایت ظلمی باشد که بر خود روا داشته باشی چراکه نفس خود را در ملک بدن تو حاکم و مالک آفریده‌اند در آن وقت محکوم و مملوک جمعی داشته خواهی بود و به آنکه توانی سید و مولی بود خود را بنده و فرمانبردار گردانیده به واسطه آنکه عقلی که به تو کرامت شده مرتبه او در اقلیم بدن مرتبه ریاست و سلطنت و جمیع قوی و الات و حواس را مقرراند که در اطاعت و فرمان او باشند تو او را خادم و مطیع ساخته حکم جمعی را بر او جاری ساخته خواهی بود» (باباجان قزوینی، ۱۰۴۳: ۲۱).

۴. توجه به کرامت انسانی

باباجان قزوینی بر کرامت و تکریم انسان اصرار دارد. زیرا کرامت انسان از آموزه‌ها و پیام‌های بسیار مهم قرآن کریم در شناساندن انسان کامل است و عمدتاً بر محور این آیه است که: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَا هَمَّهُمْ فِي الْبُرُوقِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ (اسراء/ ۷۰): و به راستی که فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا بر مرکب مراد [روانه داشتیم و به ایشان از پاکیزه‌ها روزی دادیم و آنان را بر بسیاری از آنچه آفریده‌ایم، چنانکه باید و شاید برتری بخشیدیم (خرمشاهی، ۱۳۷۸: ۲۸۹). بعضی از مفسران، کریم را به معنی نفیس و عزیز آورده‌اند. به نظر راعب/صفهانی در «المفردات» (قرشی، ۱۳۵۲: ۱۰۲-۱۰۳) اگر کرم، وصف خدا واقع شود، مراد از آن احسان و نعمت آشکار خداست و اگر وصف انسان باشد، نام اخلاق و افعال پسندیده اوست که از وی آشکار می‌شود. گفتنی است که تحقق کامل مفهوم کرامت در انسان کامل از منظر قرآن کریم، آراسته شدن او به تقوا و پرهیزگاری است، چنانکه در آیه ۱۳ سوره حجرات تصریح می‌فرماید: ﴿إِن كَرَّمَكُمُ اللَّهُ اتَّقَاكُمْ﴾: بی‌گمان گرامی‌ترین شما در نزد خداوند، پرهیزگارترین شماست. تفسیر و تعبیر باباجان قزوینی از کرامت انسان کامل

مبتنی بر همین آیه است که با شاخ و برگ و تأویلات عرفانی و انسان شناختی، درختی مبارک و باشکوه پدید آورده است:

﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾
 (الجاثیه/ ۱۳) گفته‌اند سبب آنکه «ما فی السموات وما فی الأرض» در قبضه تسخیر تو درآورده‌اند آنست که تو را مسخر هیچ شی از این‌ها نسازی و چنان نکنی که چیزی از آن‌ها تو را در حیطه تسخیر خود تواند درآورد بلکه مسخر کسی باشی که سموات و ارض و ما فیها همه گردن بندگی در حلقه تسخیر او دارند پس با وجود این همه عنایت و فضل الهی که شامل حال تو شده است و تو را در مرتبه‌ای داشته‌اند که مخلوقات عالم بالا دم از تسخیر تو می‌زنند به واسطه آنکه تو سر به تسخیر دیگری فرو نیاری و به عبادت غیر قیام ننمایی هرگاه تو خود را در قبضه تسخیر دیگران درآورده عبادت و اطاعت ایشان را بر عبادت و اطاعت او اختیار نمایی و فضل او را بر خود ضایع و ناچیز گذاشته در مقام کفران نعمت او درآیی و با آنکه تو را به واسطه آنکه عبادت او کنی آزاد گردانیده است از بندگی ماسوا تو خود را بنده و منقاد دیگران ساخته دست از عبادت او بازداری هیچ شک نیست که از اهل ظلم و عدوان خواهی بود» (باباجان قزوینی، ۱۰۴۳: ۲۱).

۵. توبه

یکی دیگر از مواردی که باید در سبک زندگی قرآنی بدان مشغول شد، توبه است. باباجان می‌گوید:

«عبادت جز به توبه راست نیاید که حق توبه را مقدم گردانید بر عبادت. قال الله: ﴿التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْعَامِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (توبه/ ۱۱۲): پس خدای تو توبه را بر عبادت مقدم داشت و گفت: ذکر توبه در وقت خدای غافل ماندن است از ذکر و خدای را یاد کردن به حقیقت آن بود که

فراموش کند در جنب خدای تعالی جمله اشیا را به جهت آنکه خدای او را عوض بود از جمله اشیا» (باباجان قزوینی، ۱۰۴۳: ۲۱).

۶. اهمیت صبر در رشد معنوی انسان

صبر، آدمی را مقاوم می‌سازد و او را نیرومند بار می‌آورد. در صبر فوایدی برای تربیت و تقویت شخصیت و افزایش توانایی آدمی در برابر دشواری‌ها و حوادث نهان است. صبر دری برای رهیابی به عبودیت و بندگی محض در مقابل خدای تعالی است. در کتاب «کلام الملوک» صبر اقسامی دارد که به شرح زیر است:

صبر بر هواهای نفسانی: باباجان قزوینی از صبر به عنوان یکی از ارکان جهاد با نفس یاد می‌کند و به انجام پیوسته و مداوم آن اصرار دارد.

«صبر بازداشتن نفس را با خدای تعالی بی آنکه جزع کند... غایت صبر توکلست. قال الله تعالی: ...الَّذِينَ صَبَرُوا... (نحل / ۹۶)... وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (نحل / ۹۹) صبر فرو خوردن تلخی‌هاست و روی ترش ناکردن» (باباجان قزوینی، ۱۰۴۳: ۱۲۵).

صبر بر آزار: صبر و بردباری از جمله ساز و کارهای رعایت حقوق دیگران است، چراکه در سختی و مشقت، رعایت حقوق دیگران چندان ساده نیست، اما اگر انسان صبر و بردباری پیشه سازد، می‌تواند در هر شرایط دشواری به حقوق انسان‌ها احترام بگذارد. یکی از اصولی که در بهبود و رشد روابط انسان با دیگران تأثیر شگرفی دارد، مدارا و تحمّل دیگران است. با اینکه به نظر برخی صاحب‌نظران، روابط اجتماعی همواره در حال تغییر و دگرگونی است و هر موقعیت اجتماعی یک واکنشی ویژه طلب می‌کند اما می‌توان مدارا را یک روش عمومی پیشنهاد کرد که در هر حال ایجاد روابط متعادل را آسان‌تر می‌کند. باباجان در این باره حکایت زیبایی را از مالک دینار نقل می‌کند که بر جور همسایه جهود صبر می‌ورزد و موجبات مسلمان شدن او را فراهم می‌سازد:

«مالک [دینار] وقتی خانه‌ای اجاره گرفت و همسایه جهود داشت و خانه مالک زیر خانه جهود بود... و آن جهود بر بالای خانه مبرز ساخته بود و بر آن نجاست می‌کرد. تا مدتی برین برآمد. روزی جهود پیش مالک آمد و

گفت تو را از مبال من رنج نیست؟ مالک گفت: هست، اما پاک می‌کنم و می‌شویم. گفت: این رنج از برای چه می‌کشی؟ و این خشم از برای چه فرو می‌خوری؟ گفت: از حق تو فرمان چنین است... وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ... (آل عمران/ ۱۳۴) جهود گفت: زهی پسندیده که دوست خدای رنج دشمن خدای چنین کشد و هرگز فریاد نکند و چنین صبر کند. در حال مسلمان شد» (باباجان قزوینی، ۱۰۴۳: ۷۲).

صبر بر جوع:

«نقلست که سال‌ها بگذشتی که مالک هیچ ترشی و شیرینی نخوردی و هر شب به دکان خبازی شدی و نان خریدی و روزه بگشادی و نان گرم را نان خورش کردی و وقتی بیمار شد، آرزوی پاچه در دل اوفتاد. صبر کرد...» (همان: ۸۴)

«[حسن بصری] گفت: روزی بر بام بودم. زن همسایه با شوهر می‌گفت که قرب پنجاه سالست که در خانه توام اگر بود و اگر نبود صبر کردم. و در گرما و سرما و زیادتی نطلبیدم و نام و ننگ تو نگاه داشتم و از تو به کس گله نکردم اما بدین یک چیز تن در ندهم که بر سر من دیگری بگزینی این همه برای آن کردم تا تو را بینم همه نه آنکه دیگری را بینی امروز به دیگری التفاف می‌کنی اینک به تشنیه دامن امام مسلمان گیرم. حسن گفت: مرا وقت خوش گشت. طلب کردم تا آن را نظیر یابم. این آیه یافتم إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا (نساء/ ۱۱۶) همه گناهت عفو کردم اما اگر به گوشه خاطر به دیگری میل کنی و با خدای شرک کنی هرگز نیامرزم» (باباجان قزوینی، ۱۰۴۳: ۸۲).

در مجموع، صبر و بردباری از جمله ساز و کارهای رعایت حقوق شهروندی اسلامی است. چراکه در سختی و مشقت، رعایت حقوق دیگران چندان ساده نیست، اما اگر انسان صبر و بردباری پیشه سازد، می‌تواند در هر شرایط دشوار و پیچیده‌ای نیز به حقوق

انسان‌ها احترام بگذارد. این معنا در «کلام الملوک» قزوینی نیز بیان شده است. انسان در برابر مصیبت‌ها و سختی‌های زندگی می‌تواند دو شیوه متفاوت در پیش گیرد: نخست: صبر کرده و با آن به شکلی کنار آید تا بتواند از آن مصیبت بهره گیرد یا از آن مصیبت به آسانی بگذرد بی آنکه در راه رسیدن به هدف اصلی مانعی شود؛ دوم: فرع و بی‌تابی کند و واکنش‌های عصبی و هیجانی از خود بروز دهد و نومید شود. حزن و اندوه از دست دادن، او را چنان در بر گیرد که از هرگونه حرکت و اقدامی برای جبران یا بهبود یا تغییر اوضاع دست بردارد. بی‌گمان روش نخست بهتر است؛ زیرا تا زمانی که مرگ نرسیده هر چیزی قابل جبران است اما بی‌تابی و فرع به معنای پذیرش شکست بدون جبران است، به طوری که شخص را از همه چیز محروم می‌کند و افزون بر مصیبت، مصیبت دیگری را خود رقم می‌زند که سنگین‌تر و سخت‌تر از مصیبت پیشین است.

۷. نقش توکل در آرامش انسان

توکل از جمله مقاماتی است که در تعالی انسان نقش بسزایی دارد و موجب می‌گردد تا آدمی ترک چون و چرا کند و از غیر الهی چشم بپوشد. باباجان در «کلام الملوک» از قول بشر حافی، «توکل» را اینچنین معنا می‌کند:

«هیچ برنگیرم و از کس هیچ نخواهم و اگر بدهند قبول نکنیم... این توکل بر خدای عالم بودی...» (باباجان قزوینی، ۱۰۴۳: ۱۱۵).

«...یکی پیش او [بشر] آمد و گفت: فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ (آل عمران/۱۵۹) گفت: بر خدا دروغ می‌گویی که اگر بر وی توکل کرده بودی بدانچه او کردی و کند راضی بودی» (همان: ۱۱۶).

«...گفت: او [شقیق بلخی] از خلق فارغ شده است بر حکم توکل نشسته است و می‌گوید اگر آسمان و زمین روبین و آهنین شود که از آسمان بارد و نه از زمین روید و خلق همه عالم عیال من باشند من از توکل خود برنگردم...» (همان: ۱۱۸).

«(ابراهیم ادهم) نقلست که گفت یکبار به توکل به بادیه می‌شدم چند روز چیزی نیافتم دوستی داشتم در مقامی گفتم اگر پیش آورم توکل باطل شود من در مسجدی شدم و بر زبان راندم که توکلت علی الحی الذی لا یموت هاتفی آواز داد سبحان الله آن خدایی که پاک گردانید روی زمین را از متوکلان گفتم چرا گفت متوکل کجا بود آنکه برای لقمه‌ای که دوست حجازی به وی دهد راه دراز در پیش گیرد آنگاه گوید توکلت علی الحی الذی لا یموت دروغ را توکل نام کرد» (همان: ۱۱۷).

۸. یاد و ذکر الهی

بر اساس قرآن و سخنان بزرگان ذکر رهایی انسان از غفلت و یاد کردن خدا همراه با فراموش کردن ما سوی الله است (بافکر، ۱۳۹۷: ۳۱۲). دعا کلید رحمت است و گواه عبودیت و پیوستن را وسیلت. هر کس در دعا بر وی گشادند در اجابت هم بر وی گشادند که می‌گوید جلّ جلاله: ﴿ادعونی استجب لکم﴾ (غافر / ۶۰).

«جنید قدس سرّه را پرسیدند که مرید را از کلمات مشایخ و حکایت ایشان چه فایده؟ گفت: تقویت دل و ثبات قدم بر مجاهده و تجدید طلب عهد. گفتند: این را از قرآن نوید داده گفت: بلی. قال الله تعالی: كَلَّا نَقْصُ عَلَیْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ (هود/ ۱۲۰) ... با مالک به مکه بودم چون لبیک اللهم لبیک آغاز کرد و بی هوش شد و بیفتاد چون به هوش باز آمد سؤال کردم و گفت ترسیدم که جواب آید که لا لبیک که چون ایاک نعبد و ایاک نستعین خواندی زار زار بگریست و گفتمی اگر این آیه از کتاب خدای نبودی و بدین امر نبودی هرگز نخواندمی یعنی می‌گوییم که تو را پرستیم و یقین خود را می‌پرستیم و می‌گوییم که از تو یاری می‌خواهیم و به در این و آن می‌رویم و به هر کسی شکوه و شکایت می‌نماییم» (باباجان قزوینی، ۱۰۴۳: ۸۶)

«و گفت خوانده‌ام در بعضی کتب منزل که حق تو امت محمد را دو چیز داده است که نه جبرئیل داده و نه میکائیل را یکی آنست که قوله تعالی:

فَاذْكُرُونِي اَذْكُرْكُمْ... (بقره/ ۱۵۲). بدانکه یاد کردن بعد از فراموشی است چون کسی را فراموش کند گویند فلانی را یاد کن چون فراموشی بر بندگان جایز است حق تم جل جلاله بندگان خود را گفت مرا یاد کنید تا من شما را یاد کنم و حق تو از فراموشی منزه است پس یاد کرد خدای تعالی اینست که مفسران گفته‌اند واذکرونی مرا یاد کنید به طاعت تا شما را یاد کنم به مغفرت ابن عینه رحمه الله علیه می‌گوید در اخبار به ما رسیده است که حق سبحانه و تم فرموده که بندگان خود را چیزی داده‌ام که اگر جبرئیل را داده می‌هر آینه نعمت بزرگی بر ایشان تمام کردمی و آن این است که گفته‌اند فاذکرونی اذکرکم» (باباجان قزوینی، ۱۰۴۳: ۸۷).

۹. یاد مرگ بودن

مرگ از جمله از رویدادهای سرنوشت ساز و رازآلود بشر از آغاز آفرینش بوده. از منظر دین و دینداری، مرگ پایان راه انسان نیست، بلکه سرآغاز حیات دیگری است که بی تردید تمام آنچه که در زندگی این جهان اتفاق افتاده در کیفیت آن تأثیر بسزایی دارد. در عرفان و تصوف به شکل عمده معنای استعاری مرگ مورد توجه بوده است. در عین حال هیچ یک از عرفا متصوفه منکر مرگ طبیعی به مثابه پایان حیات این جهانی نیستند. عرفا با الهام از آیاتی مانند آیه ۲۷ سوره آل عمران، ۹۵ و ۱۲۲ سوره انعام در اغلب آثار خود به توصیف ابعاد نمادین مرگ پرداخته‌اند.

«نقلست که آتش در بصره افتاد مالک عصا و نعلین برداشت و بر بالای رفت و نظاره می‌کرد مردمان در رنج و تعب افتادند گروهی می‌سوختند و گروهی رخت می‌کشیدند مالک گفت: نجات یافتند سبکباران و هلاک گشتند سنگین باران روز قیامت نیز چنین خواهد بود» (باباجان قزوینی، ۱۰۴۳: ۸۵).

«[رابعه] چون وفاتش نزدیک آمد، بزرگان بر بالین او بودند. گفت: برخیزید و جای خالی کنید برای رسولان خدای. برخاستند و بیرون رفتند و در فراز

کردند. آوازی شنید که *يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (فجر / ۲۷)* زمانی بود هیچ آوازی نیامد. در رفتند وفات کرده بود» (همان: ۱۰۲).

نتیجه بحث

باباجان قزوینی در «کلام الملوک» با تأکید بر بهره‌گیری از روش‌های قرآنی در تربیت روحی انسان‌ها، به آموزش تعامل با خلق پرداخته است. نظام اخلاقی اسلام همه عرصه‌های حیات انسان را در بر می‌گیرد و به همه ابعاد وجودی انسان توجه دارد و تمامی روابط انسان را تحت پوشش هدایت اخلاقی خود می‌گیرد. *باباجان قزوینی* نیز در اثر خود، با توجه به همین نظام اخلاقی به تبیین مؤلفه‌هایی چون نحوه صحیح زندگی و تفکر در اعمال و افعال خود، صبر و بردباری، مدیریت زمان و... پرداخته است. سایر نتایج مقاله حاضر به شرح زیر است:

سبک زندگی قرآنی در تذکره «کلام الملوک»، مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان یافته است که متأثر از باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های پذیرفته شده فرد یا گروه است. دین مبین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین الهی، فرمان‌ها و توصیه‌های قابل توجهی در زمینه تربیت انسان دارد. سبک زندگی قرآنی در این کتاب، مقوله‌ای فردی و جمعی است که هم می‌توان در سطح فردی یافت و هم در سطوح اجتماعی مطالعه کرد.

در کتاب «کلام الملوک»، در جهان بینی قرآنی زندگی واقعی زندگی اخروی است که زندگی دنیوی همچون ابزار و مجموعه‌ای است که بایستی تا می‌توان در آن کاشت تا در جهان دیگر درو نمود و به هدفی رسید که کمال انسان و مقصد عالی حیات قرب به خدا است.

آداب قرآنی سبک زندگی در کتاب «کلام الملوک»، انضباط رفتاری است که تحت آرمان عالی عبودیت قرار دارد. کسی که عبودیت و بندگی را مقصد حیات خود می‌بیند نمی‌تواند نسبت به چگونگی زندگی فردی خود بی‌تفاوت باشد.

انسان با استعداد قدرت مسخر سازی طبیعت و با قدرت آفرینندگی خویش قادر است با تلفیق عناصر طبیعت با عناصر کیفیت زندگی خویش در محل زندگی محیط زیستی را

برای خویش سامان بخشد که ضمن بهره مندی از طبیعت، ابعاد فرهنگی، تاریخی، معنوی را پدید آورد که شکل دهنده بعد انسانی باشد. در مجموع، از دیدگاه مؤلف کتاب «کلام الملوک»، قرآن کریم مشتمل بر آموزه‌هایی است که از الگوی تعامل اخلاقی انسان با جهان مادی حکایت دارد.

کتابنامه

- قرآن کریم. ترجمه بهاء الدین خرمشاهی.
- احمدیان، ابراهیم. ۱۳۸۵ش، **سخنان گهربار پیامبر اعظم**، قم: چاپ گل‌ها.
- آریان پور، منوچهر. ۱۳۸۹ش، **فرهنگ پیشرو**، تهران: جهان رایانامه امین.
- باباجان قزوینی. ۱۴۰۳ق، **نسخه خطی کلام الملوک**، به شماره ۱۰۲۹۴، تهران: کتابخانه مجلس (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی).
- باباجان قزوینی. ۱۳۰۰ق، **مشکول حاجی بابا بن میرزا جان قزوینی**، ترجمه عبارات عربی از محمد باقر بن اسماعیل حسینی خاتون آبادی، تهران: چاپ سنگی.
- تهرانی، آقا بزرگ. ۱۳۵۵ش، **الذریعة الی تصانیف الشیعة**، نجف: دار الکتب العلمیه.
- حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق، **وسائل الشیعة**، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۳۶۲ش، **أمل الآمل**، تحقیق: السید أحمد الحسینی، قم: دار الکتب الاسلامی.
- حسن زاده، علی. ۱۳۸۷ش، **راه سبز**، چاپ سوم، تهران: سنبله.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷ش، **لغتنامه**، تهران: دانشگاه تهران.
- دیلمی، حسن. ۱۴۱۴ق، **اعلام الدین**، بی‌جا: مؤسسه آل‌البیت.
- شکاری، رقیه. ۱۳۸۹ش، **فرهنگ علوم اجتماعی**، تهران: جامعه شناسانه.
- فیست جس، گریگوری. ۱۳۸۷ش، **نظریه‌های شخصیت**، تهران: ویرایش.
- قرشی، سید علی اکبر. ۱۳۵۲ش، **قاموس قرآن**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق، **بحار الأنوار**، بیروت: دار الاحیاء.
- محمدی ری شهری، محمد. ۱۳۸۱ش، **میزان الحکمة**، ترجمه سید ابوالقاسم حسینی، قم: دار الحدیث.
- معین، محمد. ۱۳۸۵ش، **فرهنگ فارسی**، تهران: امیرکبیر.
- مهدوی کنی، محمد سعید. ۱۳۹۰ش، **دین و سبک زندگی**، تهران: دانشگاه امام جعفر صادق (ع).
- نراقی، ملا احمد. ۱۳۸۹ش، **معراج السعادة**، قم: بهار دل‌ها.

مقالات

- بافکر، سردار. ۱۳۹۷ش، «**انواع ذکر در قرآن کریم**»، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال نهم، شماره ۳۶، زمستان، صص ۳۱۱-۳۳۲.

- بشری، جواد. ۱۳۹۴ش، «حاجی بابا قزوینی، برجسته‌ترین شاگرد شیخ بهایی»، جشن نامه دانشور فرهنگیار سید محمود مرعشی نجفی، جلد اول، صص ۵۸۵-۶۰۶.
- بندرچی، محمدرضا. ۱۳۷۹ش، «رساله حاجی بابا قزوینی در شرح یک حدیث نبوی»، مجله علوم حدیث، س ۵، ش ۱ (پیاپی ۱۵)، بهار، صص ۱۲۹-۱۳۳.
- شریفی، عنایت الله و مهرعلی لطفی. ۱۳۹۲ش، «سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم (ع)»، مجله معارف قرآنی، دوره ۴، شماره ۱۴، پاییز، صص ۸۱-۱۰۰.
- خوشنویس، ناهید. ۱۳۸۹ش، «رسانه و سبک زندگی»، مجله روابط عمومی، شماره ۷۳، صص ۹-۱۷.
- صادقی ده‌چشمه و ستار، سعیده شریعت. ۱۳۹۴ش، «سبک زندگی ایرانی اسلامی»، اولین کنفرانس پدافند غیر عامل در علوم انسانی، علوم اجتماعی، اقتصاد، مدیریت و توسعه پایدار، به صورت الکترونیکی، مؤسسه مدیریت همایش‌های ایران، مرکز مطالعات پدافند غیر عامل کشور.
- علی اکبری، راضیه. ۱۳۹۲ش، «آسیب شناسی سبک زندگی امروزی و تأملی بر سیره پیامبر اعظم (ص)»، اولین همایش سبک زندگی پیامبر، زاهدان، دفتر فرهنگ اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان.
- مصباح، محمدتقی. ۱۳۹۲ش، «سبک زندگی اسلامی، ضرورت‌ها و کاستی‌ها»، ماهنامه معرفت، شماره ۱۸۵، صص ۵-۱۲.
- مهدوی کنی، محمدسعید. ۱۳۸۷ش، «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»، نشریه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۱، شماره ۱، بهار، صص ۱۹۹-۲۳۰.
- الویری، محسن و سید محمد مهدی موسوی نیا. ۱۳۹۳ش، «سبک زندگی ائمه علیهم السلام در امور معیشتی و بازتاب آن در زندگی اجتماعی شیعیان»، مجله تاریخ اسلام، دوره ۱۵، شماره ۲، تابستان، صص ۹۵-۱۲۴.

Bibliography

- Quran. (1999) Translation to Baha'uddin Khoramshahi. Tehran: Niloufar Publications.
- Aryanpur, Manouchehr (2010). Arian Pour's Leading Culture. Tehran: The Amin World.
- Ahmadian, Ibrahim (1979). The great words of the Great Prophet. Qom: printing flowers.
- Elvira, Mohsen, Mousavinia, Seyyed Mohammad Mehdi. (2014). "The life style of the Imams (as) in livelihoods and its reflection in the Shi'a social life". Journal of Islamic History, Volume 15, Number 2, Summer. Pages 95- 124.

- Babajan Qazvini. (1043). Manuscript manuscript. To 10294. Tehran: Library of Parliament (List of Manuscripts in the Library of the Islamic Consultative Assembly).
- Babajan Qazvini. (1300). The problem is Haji Baba ibn Mirza Jan Qazvini. Translation of Arabic Phrases by Mohammad Bagher ibn Isma'il Hosseini Khatoon Abadi, Tehran: Lithography.
- Thinker, Sardar (2018). "Types of mentioning in the Holy Quran." *Quranic Studies Quarterly*, Ninth, No. 36, Winter, pp. 311-332.
- Human, jawad (2015). "Haji Baba Qazvini, the most prominent student of Sheikh Baha'i." *Celebration of Daneshvar's letter Farhadira Seyyed Mohammad-Mamashi Najafi*. first volume. Pages 585-606.
- Bandarchi, Mohammad Reza (2000). "Haji Baba Qazvini's Treatise on Describing a Prophet's Hadith," *Journal of Hadith Sciences*, vol. 5, p. 1 (15), spring. Pages 129 - 133.
- Tehrani, great sir. (1976). *Al-Zariyah al-Shiite*. Najaf: Dar Al-Kabul Al-Ma'miah.
- Hor Fati, Mohammad ibn Hasan. (1362). *AmallelAmal*, Research: Al-Sayed Ahmed al-Husseini, Qom: Dar al-Qat al-Islami.
- Har Amali, Muhammad ibn Hasan (1988). *Shi'a Shi'a Qom*: Al-Ubith Institute.
- Hasanzadeh Ali (1387). *Green way Third Printing*. Tehran: Spike.
- Calligraphy, Nahid (2010). "Media and lifestyle". *Public Relations Magazine*. No. 73, pp. 9-17.
- Dehkhoda, Ali Akbar. (1998). *dictionary*. Tehran: Tehran University.
- Deylami, Hasan (2017). *Aladdin Wrong*: Al-Alibit Institute.
- Sharifi, Enayatullah and Lotfi. Mehrali (2013). "Family life style in the Qur'an and the tradition of the innocent leaders (AS)". *Qur'anic Studies Magazine*, Volume 4, Number 14, Autumn. Pages 81- 100.
- Hunter, Rogue. (2010). *Social science culture*. Tehran: Sociological.
- Sadeghi Deh-Cheshmeh, Sattar, Sharia, Sa'ida (2017). *Iranian lifestyle, the first nonprofit defense conference in the humanities, social sciences, economics, sustainable management and development, electronically, the Institute for Managing Conferences in Iran, the Center for Nonprofit Defense Studies in the country*.
- Ali Akbari, Raziieh. (2013). "The Pathology of Modern Lifestyle and Reflection on the Son of the Prophet (pbuh)". *The first symposium on lifestyle*. Zahedan, Islamic Azad University of Zahedan.
- Fist Jess, Gregory. (2008). *Theories of personality*. Tehran: edit.
- Ghorashi, Seyed Ali Akbar. (1973). *Qaman of the Quran*, Tehran: Dar al-Kabul Islamiyah.
- Mohammadi Ray Shahri, Mohammad (2002). *Al-Khatmah rate*. Translation by Seyyed Abolqasem Hosseini. Qom: Dar al-Hadith.
- Majlisi, Mohammad Bagher (1982). *Biar al-Anwar Beirut*: Darallah.
- Mesbah, Mohammad Taghi. (2013). *Islamic life style, necessities and shortcomings*. *Monthly Magazine*. No. 185. pp. 5- 12.
- Mu'in, Muhammad (2006). *Persian culture*. Tehran: Amir Kabir.
- Mahdi Kani, Mohammad Saeed. (2008). "The concept of lifestyle and its scope in the social sciences." *Iranian Journal of Cultural Research*, Volume 1, Number 1, Spring, pp. 199-230.
- Mahdi Kani, Mohammad Saeed (2011). *Religion and lifestyle*. Tehran: Imam Jafar Sadeq University.
- Naraghi, Mullah Ahmad (2010). *Miraj al-Sa'ada*. Qom: Spring of hearts.

